



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه و تقریر و بیان

تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۳/ ربیع الثانی/ ۱۴۴۷ هـ، ق موافق ۴/ میزان/ ۱۴۰۴ هـ، ش

در قصص و واقعات قرآنی برای امت تربیت و عبرت ها نهفته است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه، كما يحب ربنا ويرضى، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله وسلم وبارك عليه وعلى آله وأصحابه والتابعين ومن سار على نهجه أجمعين، أما بعد: فقد قال الله سبحانه وتعالى في مُحكم كتابه وهو أصدق القائلين: (لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَآ كُنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) يوسف: (۱۱۱) وقال تعالى: (فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) الاعراف: (۱۷۶)

حضر گرامی و شنوندگان محترم!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

بیان پیام از راه قصه و واقعه یکی از مؤثرترین شیوه‌های تفهیم و رساندن پیام است و دل‌ها را نرم می‌سازد، به‌ویژه برای کسانی که بر دیدگان شان پرده افتاده و بر قلب شان مهر چهل نهاده شده است. از همین روست که الله تعالی آن را «احسن القصص» نامیده است، چنانکه فرموده است: (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ) يوسف: (۲)

ترجمه:- ما بهترین داستان‌ها را با وحی فرستادن و به وسیله این قرآن بر تو حکایت مکنیم حالانکه پیش از این از بی خبران بودی. الله جل جلاله به لطف بی‌پایان خود برخی احکام، مسائل، آداب، وعد و وعید را در قصه‌ها و رویدادهای قرآنی بیان کرده است تا ما در آنها ژرف بیندیشیم و خود را به مقصود و هدف این قصه‌ها آگاه سازیم. الله جل جلاله قرآن کریم را برای هدایت همه انسان‌ها نازل کرده و در آن با شیوه‌های گوناگون مردم را به توحید و یکتاپرستی فرا خوانده است.

او در قرآن انسان‌ها را با انواع صیغه‌ها، جمله‌ها و کلمات خطاب کرده تا آنان را از گمراهی، کفر، الحاد، عقاید باطل و اعمال ناپسند باز دارد و تنها به پرستش پروردگار یگانه وا دارد؛ و اخلاق نیکو در وجودشان پدید آید و از راه نافرمانان پیشین پیروی نکنند. یکی از این شیوه‌ها، ذکر قصه‌های امت‌های گذشته و پیامبران است.

قصص و وقایع امت‌های گذشته در قرآن به این منظور بیان شده است که ما در آنها تفکر کنیم، پند گیریم و تربیت قرآنی را بیاموزیم. چنانکه الله تعالی فرموده است: (وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ) هود: (۱۲۰)

ترجمه:- و هر یک از سرگذشت پیامبران را برای تو حکایت می‌کنیم آنچه که دلت را به آن استوار و محکم میگردانیم، و در این [سوره] برای تو حق و برای مؤمنان پند و یادآوری آمده است.

ذکر قصص امت‌های گذشته و پیامبران در قرآن، دلیل اعجاز قرآن و برتری آن بر سایر کتاب‌های آسمانی است؛ زیرا خبر دادن از احوال دقیق امت‌ها و پیامبران گذشته که مطابق واقع باشد، تنها از ذات عالم الغیب برمی‌آید و این خود معجزه‌ای است که در دیگر کتاب‌ها یافت نمی‌شود. چنانکه الله تعالی فرموده است: (ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُ أَفْلَاهُمْ أَيْهُمْ يَكْفُلُ مَرِيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ) آل عمران: (۴۴)

ترجمه:- این داستان مریم و زکریا از خبرهای غیبی است که آنرا به تو وحی می‌کنیم، تو نزد آنان نبودی آنگاه که قلم‌های خود را می‌انداختند تا کدام یک ایشان کفالت و سرپرستی مریم را به عهده گیرد و تو نزد آنان نبودی هنگامی در مورد پرورش مریم با یکدیگر کشمکش می‌کردند.

همین معنا در حدیث شریف آمده است: (كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَخَبَرُ مَا بَعْدَكُمْ) [سنن الدارمی (۵۲/۲)، مسند البزار (۱۵۶/۱)] ترجمه:- در کتاب خدا اخبار امت‌های پیشین و خبر وقایع آینده موجود است.

بیان هدف‌های والا به صورت قصه و واقعه خود نشانه بلاغت بی‌مانند قرآن کریم است.

الله تعالی در قرآن کریم قصص و وقایع را با چنان تعبیری آورده که هر کلمه و هر جمله آن سرشار از صدها و هزارها پند و عبرت است.

الله تعالی این قصص را برای پند، اندرز و آموزش اخلاق کامل ذکر کرده است، تا ما بیندیشیم، پند گیریم و تربیت قرآنی را بیاموزیم، چنانکه فرموده است: (لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) یوسف: (۱۱۱)

ترجمه:- براستی که در داستانهای آنان (پیامبران) عبرتی برای صاحبان خرد است (قرآن سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق کننده کتابی است که پیش از آن است و بیانگر هرچیزی است و سبب هدایت و رحمت است برای کسانی که ایمان می‌آورند.

در هر قصه و واقعه قرآن، بندها و موعظه‌های بی‌شمار نهفته است که برخی از آنها چنین است:

۱- ذکر قصص و وقایع برای تثبیت دل رسول الله صلی الله علیه و سلم و دیگر دعوتگران راه حق است، تا بدانند که آنچه در راه دعوت به حق بر آنان می‌گذرد، همان است که بر پیامبران پیشین نیز گذشت؛ آنان با وجود تکذیب و آزار قوم خود، دعوت خویش را ترک نکردند و استوار ماندند. چنانکه الله تعالی می‌فرماید: (وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِإِ الْمُرْسَلِينَ) الأنعام: (۳۴)

ترجمه:- و البته پیامبرانی پیش از تو نیز تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و بر اذیت‌هایی که دیدند صبر کردند تا آنکه مدد ما به آنان رسید، و برای مصداق سخنان الله هیچ تغییردهنده‌ای نیست، و البته در این کتاب از خبر پیامبران پیشین به تو آمده است.

و در آیه دیگر الله تعالی می‌فرماید: (وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ) هود: (۱۲۰)

ترجمه:- و همه اخبار پیامبران را برای تو حکایت می‌کنیم تا قلب تو را به وسیله آن استوار و محکم گردانیم، و در این [سوره] برای تو حق آمده است و برای مومنان پند و یادآوری آمده است.

۲- در قصص و رویدادهای امت‌های گذشته و پیامبران، برای دشمنان دین خدا سرزنش، هشدار شدید، بیم و انذار نهفته است؛ بدین معنا که اگر شما به الله تعالی ایمان نیاورید و از کردارهای ناپسند خود دست برندارید، همان عذاب‌هایی که بر دشمنان پیشین دین نازل شد، بر شما نیز خواهد آمد. الله تعالی می‌فرماید: (وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (۳۸) وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَأَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (۳۹) فَكَأَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ) العنكبوت: (۴۰)

ترجمه:- و عاد و ثمود را نیز [هلاک کردیم] و مساکن شان برای شما آشکار است. و شیطان اعمال شان را در نظر شان آراسته نمود و آنان را از راه [حق] بازداشت در حالی که صاحبان عقل و بصیرت بودند. و قارون و فرعون و هامان را [نیز هلاک کردیم]؛ و البته موسی با دلایل و براهین روشن نزد آنان آمده بود، اما ایشان در زمین استکبار و برتری جویی ورزیدند ولی از ما پیشی گیرنده نبودند. پس هر کدام را به سبب گناهشان گرفتار ساختیم؛ پس برای بعضی از ایشان طوفان همراه با سنگ ریزه فرستادیم، و بعضی از ایشان را بانگ مرکباز فرا گرفت، برخی از ایشان را در زمین فرو بردیم و برخی دیگر را غرق کردیم. والله نبود که بر آنان ظلم کند بلکه آنان خود به خویشتن ظلم میکردند.

۳- در قصص و رویدادهای قرآنی، الله تعالی نابودی و هلاکت امت‌های گذشته را بیان فرموده تا ما از سرنوشت آنان پند و عبرت بگیریم و از کردار و اعمالی که آنان مرتکب شدند، خودداری کنیم؛ خواه طوفان باشد، خواه باد شدید، صیحه آسمانی و یا دیگر عذاب‌ها. الله تعالی می‌فرماید: (لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ) یوسف: (۱۱۱) ترجمه: به راستی در سرگذشت‌های آنان برای خردمندان عبرتی است.

۴- در قصص و رویدادهای قرآنی، برای امت محمدی صلی الله علیه و سلم آرامش و بشارت وجود دارد. زمانی که دشمنان دین سخن پیامبران را نپذیرفتند، الله تعالی آنان را هلاک و نابود کرد و پیروزی و نصرت را نصیب مؤمنان گردانید. این برای ما بشارتی است که پیروزی از آن مؤمنان است، هرچند مدتی در سختی دشمنان قرار گیرند. چنانکه الله تعالی می‌فرماید: (فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ * وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۶۷) كَانُوا لَمْ يَخْتَفُوا فِيهَا إِلَّا إِنَّ تَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّتَمُودَ) هود: (۶۸)

ترجمه:- تفسیر کابلی: پس چون فرمان ما آمد، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به سبب رحمتی از جانب خود نجات دادیم و از خواری آن روز رهایی بخشیدیم؛ البته پروردگار تو توانای غالب است. و آنانی را که ظلم کرده بودند آواز سخت فرا گرفتند پس در خانه‌های ایشان مرده و بر زانو افتیدند، گویا که هر گز در آنجا سکونت نکردند آگاه باشید که ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند، آگاه باشید که دوری و هلاکت بر ثمود باد.

و در آیه دیگر آمده است: (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ) غافر: (۵۱)

ترجمه:- ما پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپا می‌شوند یاری می‌کنیم.

۵- در قصص و رویدادهای قرآنی این درس و عبرت وجود دارد؛ که دین همه پیامبران یکی است و روش دعوت آنان نیز یکی بود، و آن دعوت به توحید و یکتاپرستی خداوند بود. همچنین برخورد امت‌های آنان نیز مشابه بود: تکذیب پیامبران، دادن القاب زشت، استادگی در برابر آنان، آزار رساندن و حتی توطئه برای قتل شان. الله تعالی درباره‌ی منهج و دعوت پیامبران می‌فرماید: (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ) الأنبياء: (۲۵)

ترجمه:- و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که هیچ معبود برحق غیر از من (الله) نیست، پس تنها مرا پرستید.

و در جای دیگر می‌فرماید: (وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُم هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ * أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ) ** الأعراف: ٦٦- ٦٨

ترجمه: - و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم. گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او برای شما معبودی نیست، آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟ سرداران کافر قوم او گفتند: یقیناً ما تو را در نادانی می‌بینیم و گمان می‌بریم که تو از دروغگویانی. [هود] در جوابشان گفت: ای قوم من! در من هیچ نادانی نیست، بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امینم.

این قصص نشان می‌دهد که از زمان نوح علیه السلام تا امروز، همه کافران یک شیوه و یک روش دارند: مقابله با حق، دشمنی با مؤمنان، و اتحاد در برابر مسلمانان. خواه دهری باشند، خواه یهود، نصارا یا مجوس؛ چنانکه امام محمد رحمه الله در موطأ آورده است: (والکفر ملة واحدة) (١٠٧/٣) ترجمه: کفر یک ملت واحد است.

٦- در قصص و رویدادهای قرآنی برای جوانان و دختران تربیت عفت و حیا نهفته است. چنانکه در ماجرای یوسف علیه السلام می‌خوانیم که همسر عزیز مصر او را به گناه دعوت کرد، ولی حضرت یوسف زندان را بر گناه ترجیح داد. چنانکه درباره دختران شعیب علیه السلام آمده است: (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا) القصص: (٢٦) ترجمه: - پس یکی از آن دو دختر با شرم و حیا نزد او آمد و گفت: پدرم تو را می‌خواند تا مزد آبیاری که برای ما کردی به تو بدهد.

٧- در قصص و رویدادهای قرآنی برای ما این درس وجود دارد که معیار برتری و شرافت، تقوا و علم است. هر کس علم داشته باشد، صاحب فضیلت است و جاهل از این فضیلت محروم می‌ماند. برتری حضرت آدم علیه السلام بر فرشتگان به سبب علم بود. فرشتگان که پاک از گناه و فرمانبردار مطلق اند، هنگام آفرینش انسان نگران فساد او شدند. ولی الله تعالی به آدم علمی آموخت که فرشتگان از آن بی‌بهره بودند، و به سبب همین علم، آن موجودی که فرشتگان درباره‌اش بیمناک بودند، مسجود آنان گردید. الله جل جلاله می‌فرماید: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (٣١) قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (٣٢) قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (٣٣) وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ البقرة: (٣٤)

ترجمه: - والله به آدم همه نام‌ها را آموخت باز آن را بر فرشتگان عرضه کرد وگفت: نامهای این اشیاء را به من خبر دهید اگر صادقید فرشته‌ها گفتند: منزه‌ی تو ما نمی‌دانیم جز آنچه به ما آموخته‌ای همانا تو دانان و حکیم هستی، الله فرمود: ای آدم آنها را از نام‌های این چیزها خبر ده و چون آن نامهای اشیاء را برای آنان خبر داد الله فرمود: آیا به شما نگفتم: من غیب آسمانها و زمین را میدانم و آنچه را آشکار می‌سازید و آنچه را پنهان میکنید میدانم. و یاد آور شوید وقتی که به فرشته‌ها گفتیم برای تعظیم آدم سجده کنید پس فرشته‌ها همه سجده کردند بجز ابلیس که انکار کرد و تکبر ورزید و از جمله کافران منکران حکم الهی شد.

از این قصص همچنین آموخته می‌شود که هرچند انسان علم فراوان یابد، باید فروتنی پیشه کند و هرگز ادعای دانستن همه چیز را نکند؛ بلکه پیوسته در طلب علم باشد، چنانکه حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: «ای پروردگار من! آیا در زمین کسی از من داناتر هست؟» فرمود: «آری.» [تفسیر ابن کثیر، ١١٩/٣].

در روایتی از قرطبی آمده است که شخصی از موسی علیه السلام پرسید: آیا کسی از تو داناتر هست؟ موسی گفت: نه. پس خداوند از این سخن بر او خشم گرفت و جبرئیل علیه السلام را فرستاد تا به او بگوید: بنده‌ای از بندگان من که از تو داناتر است در مجمع البحرین حضور دارد، نزد او برو و از او علم بیاموز [تفسیر قرطبی، ١٠/١١].

۸- همچنین در قصص و رویدادهای قرآنی برای جوانان این درس تربیتی وجود دارد. که همانند اصحاب کهف در برابر هر طاغوتی قیام کنند، بر ایمان خود استوار بمانند و هرگز تسلیم نشوند؛ آنگاه خداوند یاری و نصرت ویژه خویش را شامل حال آنان می‌سازد. یا همانند اصحاب اُخدود که آن جوان جان خود را فدا کرد ولی از حق بازنگشت. الله تعالی می‌فرماید: (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى * وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا) الکهف: (۱۴)

ترجمه:- ما داستان آنان را به راستی و درستی برای تو حکایت میکنیم آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت آنان افزودیم و دلپایشان را استوار گردانیدیم و قتیکه برخاستند و گفتند: پروردگار ما همان پروردگار آسمانها و زمین است هرگز جز او معبودی را نخواهیم پرستید که در غیر از این صورت سخن دروغ و دور از حق گفته ایم.

۹- در قصه‌ها و وقایع قرآنی برای این امت این درس وجود دارد که در اسلام باید اساس خویشاوندی و پیوندها ایمان باشد، و ایمان باید شرط روابط قرار گیرد. هرکس که ایمان و دینداری داشته باشد، خواه سلمان فارسی رضی الله عنه از ایران باشد و خواه حضرت بلال رضی الله عنه از حبشه، او برادر و خویشاوند مسلمان است و باید با او برادری ایمانی را رعایت کرد. و هرکس که دین و دینداری نداشته باشد، او شایسته‌ی خویشاوندی و برادری نیست، اگرچه پسر پیامبر، یعنی کنعان، باشد. در قصه نوح علیه السلام همین مطلب وجود دارد؛ کنعان پسر نوح علیه السلام بود، اما چون از نوح علیه السلام پیروی نمی‌کرد، الله تعالی به نوح علیه السلام فرمود: (قَالَ يَأْنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ) هود: (۴۶)

ترجمه:- ای نوح! او از اهل تو نیست، چون این نمونه عمل ناشایسته است. پس چیزی را که به آن آگاهی نداری از من نخواه، من تو را پند می‌دهم که مبادا از نادانان باشی.

۱۰- در قصه‌ها و وقایع قرآنی برای ما این تربیت وجود دارد که مهمان‌نوازی لازم است، و اگر کسی توان دارد، باید خصلت و عادت ابراهیم علیه السلام را در خود پیدا کند. آنچنان که وقتی فرشتگان به شکل انسان نزد او آمدند، او با شتاب گوساله‌ای را بریان کرد و سریع نزد آنان آورد. پس ما باید میهمان را پذیرایی کنیم، آن هم به موقع، و او را در انتظار غذای خالی نگذاریم، بلکه هرچه توان داریم سریع برای او بیاوریم. همچنین آداب اسلامی و ابراهیمی این است که از مهمان نپرسیم که آیا غذا خورده است یا نه؛ زیرا ابراهیم علیه السلام بدون پرسش برایشان گوساله را بریان کرد و آورد. قرآن کریم این واقعه را چنین بیان می‌کند: (وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ) هود: (۶۹)

ترجمه:- و البته فرستادگان (فرشتگان) ما با مژده نزد ابراهیم آمدند. گفتند: سلام! (بر تو ای ابراهیم) گفت: سلام بر شما! پس دیری نپایید که ابراهیم گوساله‌ای بریان آورد.

۱۱- در قصه‌ها و وقایع قرآنی برای این امت این درس وجود دارد که صبر در سختی‌ها و استقامت در عمل، راه پیامبران است. در قصه حضرت ابراهیم علیه السلام مقام صبر بیان شده است و خداوند همواره با صابران است. آنگاه که حضرت ابراهیم علیه السلام بر آتش نمرود صبر کرد، الله تعالی آن آتش را برای او محافظ و آرام گردانید، چنانکه الله تعالی می‌فرماید: (قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ) الأنبياء: (۶۹)

ترجمه:- گفتیم: ای آتش! برای ابراهیم سرد و سلامت باش.

همچنین حضرت ایوب علیه السلام بر مرگ همه فرزندان و نابودی مال و بیماری سخت خود صبر کرد، و الله تعالی به سبب صبرش، مال نابودشده را دو برابر به او بازگرداند: (وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَوَلِي الْأَلْبَابِ) ص: (۴۳)

ترجمه:- و ما اهل او و همانندشان را همراه آنان به او بخشیدیم، رحمتی از جانب ما و تذکری برای خردمندان.

۱۲- در قصه‌ها و وقایع قرآنی این درس وجود دارد که دنیا فانی است و نباید به زیبایی‌های دنیا فریب خورد؛ زیرا همه اینها نابودشدنی است. غرور به مال و ثروت و کثرت افراد، خوی و عادت طغیانگران گذشته است که الله تعالی آن را ناپسند دانسته است. نباید به مال، ثروت و کثرت افراد مغرور شویم تا گرفتار همان عذاب نشویم که امت‌های گذشته بدان مبتلا شدند. مانند آن مردی که باغ‌ها و افراد بسیار داشت و با غرور گفت: (وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا * وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا * وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا) الکهف: (۳۶)

ترجمه:- و برای صاحب باغ میوه‌های فراوانی بود، پس به دوست خود در حالیکه با وی گفتگو میکرد گفت: من از تو ثروتمند و از لحاظ افراد نسبت به تو نیرومندترم. و در باغش درآمد در حالیکه بر خود ظالم بود گفت: گمان نمی‌کنم که هرگز این باغ نابود شود و گمان نمی‌کنم که قیامت برپا شود و اگر هم به سوی پروردگارم برگردانیده شوم البته بهتر از این را در بازگشت خواهیم یافت. نتیجه غرور و تکبر او چنین شد که باغش از میان رفت و دست‌هایش را به حسرت می‌پیچاند: (وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا) الکهف: (۴۲)

ترجمه:- و برمیوه‌هایش آفت آسمانی احاطه کرده شد پس چنان شد که از افسوس و تأسف به آنچه در آن باغ انفاق کرده بود دست بر دست می‌مالید در حالیکه آن باغ بر ستون‌های خود افتیده بود و میگفت ای کاش! کسی را با پروردگارم شریک نمی‌ساختم. یا مانند قارون که به سبب مال؛ دین و ایمان را ترک کرد و تکبر و سرکشی پیش گرفت. قرآن کریم درباره او می‌فرماید: (إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ) القصص: (۷۶)

ترجمه:- به راستی قارون از قوم موسی بود، پس بر آنان ستم کرد، و ما از گنج‌ها به او عطا کرده بودیم که کلیدهای آن برای گروهی نیرومند دشوار بود.

پس انجام مغرور و ناسپاس همچون قارون چنین شد که زمین او و خانه‌اش را فرو برد و مالش هیچ سودی برایش نداشت. (فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ) القصص: (۸۱)

ترجمه:- پس ما او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم و او هیچ گروهی نداشت که در برابر عذاب الله مدد کند و خود او نیز از نصرت یافته گان نبود.

۱۳- در قصه‌ها و وقایع قرآنی برای ما این درس وجود دارد که پایان ستمگران، مستکبران و سرکشان هلاکت است. ما باید از الله تعالی بخواهیم که ما را از بغاوت دور نگه دارد تا به سرنوشت آنان دچار نشویم. الله تعالی برای هر فرعونی یک موسی (علیه السلام) آفریده است. اگر به داستان فرعون توجه کنیم، او بسیار سرکش شد و ادعای خدایی کرد و بر بنی‌اسرائیل انواع ظلم‌ها می‌کرد. سرانجام الله او را در آب غرق کرد و او هنگام غرق شدن ایمان آورد، اما در آن زمان ایمان آوردن هیچ سودی ندارد: (وَأَسْتَكْبَرُوا وَكَانَ اللَّهُ مُصَوِّدًا لِّأَعْيُنِهِمْ فَذُكِّرُوا بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ أَوَلَمْ يَرْجِعُوهُمْ فِي الْآبِ) القصص: (۴۰)

ترجمه:- و او و لشکریانش در زمین به ناحق تکبر ورزیدند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند. پس او و لشکریانش را گرفتیم و در دریا افکندیم. بنگر که عاقبت ستمگران چگونه بود.

همچنین آیه دیگر انجام فرعون را چنین بیان می‌کند: (وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَ الْغَرَقُ قَالَ أَمُنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ) یونس: (۹۱)

ترجمه:- و بنی‌اسرائیل را از دریا گذراندیم، پس فرعون و لشکریانش با ظلم و دشمنی آنان را دنبال کردند، تا هنگامی که غرقاب او را فرا گرفت گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه بنی‌اسرائیل به او ایمان آورده‌اند نیست و من از مسلمانانم. [پاسخ آمد:] اکنون؟! در حالی که پیش از این نافرمانی کردی و از مفسدان بودی.

همچنین نمرود بن کنعان که جبار و کافر بزرگ بود، الله تعالی او را به وسیله مخلوقی بسیار ضعیف یعنی پشه کشت؛ پشه به بینی او داخل شد و چهل روز او را عذاب داد و سپس هلاک شد.

۱۴- در قصه‌ها و وقایع قرآنی برای ما این تربیت وجود دارد که ما باید در دعوت دینی و در راه الله تعالی اخلاق پیامبران را در خود ایجاد کنیم و از راه آنان پیروی نماییم و بر این باور و عقیده استوار باشیم که همان گونه که الله تعالی پیامبران و رسولان خود را یاری کرده است، الله تعالی ما را نیز یاری و نصرت خواهد کرد.

پیامبران و رسولان علیهم السلام به خاطر دین و ایمان انواع رنج‌ها و سختی‌ها را متحمل شدند و از سوی قوم خود دردها و آزمایش‌های فراوانی به آنان رسید، ولی آنان با اخلاق نیکو، صبر و استقامت، متانت و راه خداوند را در پیش گرفتند و هرگز بی‌صبری و جزع و فزع نکردند. به همین دلیل الله تعالی به پیامبر علیه السلام دستور داد که راه آنان را پیروی کند: (أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدَهُ) الأنعام: (۹۰) ترجمه: آنان کسانی هستند که الله هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن.

این به خاطر آن است که پیروزی و کامیابی از آن مسلمانان است. الله تعالی می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ) فصلت: (۳۰)

ترجمه:- به‌راستی کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: مترسید و اندوهگین نباشید و به بهشتی که به شما وعده داده می‌شد بشارت باد.

۱۶- در قصه‌ها و وقایع قرآنی برای ما این درس و عبرت وجود دارد که در هر زمان و هر دوره‌ای اهل حق، پا سداران دین الله تعالی و دعوتگران، با مصیبت‌ها، رنج‌ها و سختی‌ها روبه‌رو شده‌اند و از سوی قوم خود و کافران با القاب تحقیرآمیزی چون دیوانه، بی‌عقل، غافل و ساحر نامیده شده‌اند، اما آنان هیچ پروا نکردند و همواره از الله تعالی یاری و کمک می‌خواستند. الله تعالی می‌فرماید: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتِمُ الْبُأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزَلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ) البقرة: (۲۱۴)

ترجمه:- آیا گمان می‌کنید به آسانی وارد جنت میشوید در حالی که هنوز آنچه که برسر گذشتگان آمده بود بر سر شما نیامده است. آنها دچار سختی‌ها و مشقت‌ها شدند و چنان متزلزل و مضطرب شدند حتی که پیامبر شان و آنان که به او ایمان آورده بودند و میگفتند: پس مدد الله کی خواهد آمد. گفته شد آگاه باشید که مدد الله نزدیک است.

این سنت الله است که رهروان راه حق را با آزمون‌ها می‌آزماید، اما این زمان بسیار کوتاه است و همیشگی نیست. پس بر ما لازم است که در آزمون‌های الهی، قحطی، فقر و ترس از دشمن، از الله تعالی یاری و نصرت بخواهیم و تنها شکایت و درد دل خود را نزد او ببریم.

۱۷- در قصه‌ها و وقایع قرآنی برای ما این درس وجود دارد که الله تعالی پس از هر آزمایشی به بندگان خاص خود در دین مرتبه‌ای بزرگ عطا می‌کند، مانند نبوت و ولایت؛ اما در دین، مقام امامت و ولایت به کسی نمی‌رسد که نسبت به الله تعالی سرکشی و نافرمانی داشته باشد، حتی اگر از فرزندان پیامبران و رسولان باشد. در واقعه حضرت ابراهیم علیه السلام چنین آمده است: (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) البقرة: (۱۲۴)

ترجمه:- و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی امتحان کرد و آنرا به طور کامل انجام داد الله فرمود: تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم گفت از دودمان من نیز پیشوایان مقرر کن فرمود عهد من به ظالمان نمی‌رسد.

۱۸- در قصه‌ها و وقایع موسی علیه السلام و بنی اسرائیل برای این امت این درس وجود دارد که الله تعالی بر بنی اسرائیل و یهود نعمت‌ها و احسان‌های بی‌شماری ارزانی داشت و در میان آنان تقریباً هفتاد هزار پیامبر فرستاد، چنانکه الله تعالی می‌فرماید: (وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ) المائدة: (۲۰)

اما با این همه، یهودیان بدترین قوم روی زمین بودند؛ زیرا آنان فرمان‌های الله تعالی را نمی‌پذیرفتند و در آنها نیرنگ و فریب می‌کردند، کتاب الله تورات را تحریف می‌کردند، پیامبران را می‌کشتند و از جهاد در راه الله می‌گریختند.

موسی علیه السلام به آنان گفت که با جبّاران در شام جهاد کنید و به بیت‌المقدس وارد شوید، ولی آنان در پاسخ گفتند: (قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُذْخِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ) المائدة: (۲۴).

ترجمه:- بنی اسرائیل در جواب گفتند: ای موسی! ما هرگز وارد آن [شهر] نخواهیم شد تا زمانی که آنان در آن هستند. پس تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم.

آنان هدایت‌های موسی علیه السلام را نمی‌پذیرفتند. وقتی از دریا گذشتند و موسی علیه السلام برای ملاقات با الله تعالی به کوه طور رفت، آنان پرستش گوساله را آغاز کردند و به شرک گرفتار شدند. حتی به موسی علیه السلام تهمت زدند، ولی الله تعالی موسی را از آن تهمت پاک گردانید. الله منّ و سلوی را برای آنان مقرر کرده بود تا برای جهاد آزاد باشند، ولی آنان گفتند: ما این را نمی‌خوریم، بلکه ای موسی! تو برای ما سبزیجات مقرر کن. با این بهانه می‌خواستند خود را به کشاورزی سرگرم کنند و از جهاد دور نگه دارند.

الله تعالی برخی از کارهای زشت یهود را در آیات زیر یاد کرده است: (فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا * وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا * وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ) النساء: (۱۵۵)

ترجمه:- به سبب پیمان‌شکنی آنان و کفرشان به آیات الله و کشتن پیامبران به ناحق و گفتن این سخن که بر دلهای ما پرده است. لذا ما نمی‌فهمیم، بلکه الله به سبب کفرشان بر دلهایشان مهر نهاده است وایمان نمی‌آورند مگر اندکی از ایشان و به سبب کفر آنها و سخنان آنها که بهتان بزرگی به مریم بستند مورد غضب ما قرار گرفتند و بخاطری مورد لعنت و عذاب ما قرار گرفتند که گفتند ما مسیح عیسی پسر مریم را که رسول الله بود کشتیم.

در آیه مبارکه دیگری آمده است: (فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) المائدة: (۱۳)

ترجمه:- پس یهود را بخاطر پیمان‌شکنی شان لعنت کردیم و از رحمت خود دور ساختیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم، سخنان الله را از محل آن تغیر میدادند و بخشی از آنچه را که به آن پند داده شده بودند فراموش کردند و همیشه تو بر خیانت تازه از ایشان آگاه میشوی مگر اندکی از آنها که خیانت نمی‌کنند پس از آنها در گذر و از لغزش‌هایشان روی بگردان یقیناً الله نیکو کاران را دوست دارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.